

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال دوازدهم / دوره جدید / شماره ۴۶ / زمستان ۱۳۹۵
صص ۶۸-۷۶

تحلیل جایگاه حدیث حکیم بن حکم از منظر شیعه و اهل سنت



مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی
سال دوازدهم
شماره ۴۶ - زمستان ۱۳۹۵

• هاشم اندیشه

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم (نویسنده مسئول)
hashem.andisheh@gmail.com

• محمدتقی دیاری بیدگلی

استاد دانشگاه قم
mt_diari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۳۱

چکیده

این مقاله نگاهی هرچند کوتاه به شخصیت حکیم بن حکم بن عباد بن حنیف یکی از بزرگان اصحاب ائمه (ع) و نیز راویان احادیث آنان دارد و در پی احیای نام و تجدید یاد او است که در کتب تراجم، رجال و ... قضاوت‌های گوناگونی درباره او به چشم می‌خورد. آنچه بیش از همه در این پژوهش به آن توجه شده، ارائه بحثی رجالی و زندگی‌نامه‌ای درست از حکیم بن حکم است. در این نوشتار، بیشتر به آراء و داوریهای دانشوران فریقین پرداخته شده است، اما در انتها وثاقت ایشان از منظر فریقین مورد بررسی قرار می‌گیرد و کاذب و جاعل بودن او رد می‌شود و موثق بودن او و مورد اعتماد بودن روایات او، اثبات می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: حکیم بن حکم، اصحاب ائمه (ع)، راویان مشترک، محدثان فریقین.

مقدمه

بن حنیف پرداخته‌اند که نمونه‌هایی از آن، عبارتند از: مسند احمد، رجال طوسی، تقریب التهذیب ابن حجر عسقلانی، قاموس الرجال شوشتری و ... اما در این زمینه، مقاله‌ای نگاشته نشده و این نخستین مقاله‌ای است که همه جوانب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، حدیثی و رجالی او را مورد بررسی قرار می‌دهد. مهم‌ترین مباحث جدید و بکر در این مقاله، واکاوی جایگاه رجالی و حدیثی او از منظر فریقین و برشمردن و بررسی روایات منقول از فریقین، توسط وی می‌باشد.

زندگی‌نامه حکیم بن حکم

نام او، حکیم بن حکم بن عبّاد بن حنیف بن واهب انصاری اوسی مدنی^۱ است، اما برخی در نام او اختلاف کرده و نام وی را «حکیم بن حکیم» آورده‌اند.^۲ حکیم بن حکم از اهالی شهر مدینه النبیه بود. عثمان بن حنیف و برادرش سهل از یاران باوفا و بافضیلت ائمه اطهار(ع) بودند.^۳ اما برادر آن دو؛ یعنی عبّاد بن حنیف، به نفاق متهم بود، امام علی(ع)، عثمان را برای حکمرانی شهر بصره، انتخاب کرد.^۴ درباره مذهب حکیم بن حکم، اختلافاتی وجود دارد، برخی نسبت به مذهب اهل سنت او سکوت کرده و مذهب او را پنهان داشته‌اند،^۵ در حالی که او از اهل سنت بود؛ زیرا با توجه به نوع نقل روایات و پاسخ ائمه معصومان(ع) می‌توان بر مذهب اهل سنت او پی برد.

از سال ولادت و وفات حکیم بن حکم اطلاع دقیقی در دست نیست و در منابع از سال ولادت و وفات او،

به منظور شناسایی حال روات و حکم به عدالت یا جرح راوی، رجوع به علم رجال که متکفل بیان احوال روات در مورد عدالت و وثاقت و تشخیص ثقه از غیرثقه و صالح از غیرصالح است، امری ضروری به شمار می‌رود. برای احراز وثوق به صدور خبر، یا باید راویان آن مشهور به وثاقت باشند، یا آنکه با تعدیل و جرح علما به احوال روات آگاهی پیدا شود، به طوری که مفید اطمینان باشد. بدیهی است در این مورد صرف اینکه راوی «ثقه» باشد، کافی نیست، بلکه محتاج به احراز اطمینان درباره خبر او هستیم و این امر محقق نمی‌شود، مگر آنکه راوی، «ضابط» حدیثی باشد که امام نقل کرده است؛ زیرا گاه راوی ثقه است، لیکن در احادیث او اضطراب یا تعارض دیده می‌شود، گاه قسمتی از کلام امام را از حدیث حذف کرده، یا عبارتی را به عنوان فهم حدیث به کلام امام اضافه کرده، یا آنکه نقل به معنا نموده است، بدون آنکه لفظ او کافی در افاده مراد معصوم باشد. این امر، قطعاً با مراجعه و بررسی احوال راویان معلوم می‌شود. امروزه ضرورت پرداختن به علم رجال و تأثیر این علم در استنباط احکام شرعی، بر کسی پوشیده نیست، به گونه‌ای که تأثیر علم رجال بر حدیث شناسی از مهم‌ترین دلایل اختلاف فتاوی به شمار می‌رود و اگر به آن توجه نشود، باعث ضررهای جبران ناپذیری، به اسلام و احکام اسلامی و روایات می‌شود. این نوشتار، با بهره‌گیری، از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، جایگاه حدیثی حکیم بن حکم را از منظر فریقین مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه بحث

در زمینه تحلیل جایگاه حدیثی حکیم بن حکم از منظر فریقین می‌توان به کتابهای رجالی و حدیثی فریقین اشاره کرد که بخش بسیار محدودی را به شخصیت حدیثی و رجالی حکیم بن حکم بن عبّاد

۱. رجال، ص ۸۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۹۴؛ تذکره الحفاظ، ج ۴، ص ۱۰۸؛ جمهره انساب العرب، ص ۳۳۶.
۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۳۵۴؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۱، ص ۵۳۵.
۳. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۶؛ تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۱۹۳.
۴. جمهره انساب العرب، ص ۳۳۶؛ تاریخ دمشق، ج ۶۱، ص ۴۰۲؛ الجرح و التعديل، ج ۸، ص ۴۵۱.
۵. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۶؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۸۴؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۶۳۱.





سخنی به میان نیامده است. گروهی او را از طبقه سوم^۶ و برخی از طبقه پنجم^۷ محدثان برشمرده‌اند.

عده‌ای حکیم بن حکم را از اصحاب و یاران امام سجاد و امام باقر(ع) می‌دانند.^۸ جابلقی بروجدی معتقد است: حکیم بن حکیم بن عباد معاصر و از اصحاب و راویان سه امام بزرگوار، امام سجاد، امام باقر و امام صادق(ع) می‌باشد [و هر سه امام را درک کرده است].^۹ با توجه به دو نظر فوق، می‌توان نتیجه گرفت که حکیم بن حکم همعصر و از اصحاب و راویان امام سجاد، امام باقر و امام صادق(ع) بوده است.

مشایخ حکیم بن حکم

حکیم بن حکم، از محضر برخی مشایخ بهره برده و همچنین به نقل روایت از آنها پرداخته است. از جمله ائمه(ع)، امام سجاد، امام باقر و امام صادق(ع)، جزء مشایخ او بوده‌اند.^{۱۰} البته باواسطه به نقل روایت از پیامبر اکرم(ص)،^{۱۱} امام علی(ع)،^{۱۲} حضرت فاطمه(س) و امام حسین(ع)^{۱۳} نیز می‌پردازد.

دیگر مشایخ او که باواسطه یا بی‌واسطه به نقل روایت از آنها پرداخته است، عبارتند از: جابر بن عبدالله انصاری، انس بن مالک، ابوسعید خدری،^{۱۴} ابن عباس،^{۱۵} ابوبکر (خلیفه اول)،^{۱۶} ابوامامه بن سهل،

۶. طرائف المقال.

۷. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۶۳۱.

۸. رجال، ص ۱۰۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۱۳۵؛ نقد الرجال، ص ۱۱۵.

۹. طرائف المقال.

۱۰. رجال، ص ۱۰۰؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۶۶.

۱۱. مسند احمد، ج ۷، ص ۱۶۳.

۱۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۲۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۸، ص ۳۴۰؛ السنن الكبرى، نسائی، ج ۳، ص ۲۴۸؛ تحفة الاشراف، ج ۹، ص ۲۸۷.

۱۳. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۲۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۸، ص ۳۴۰؛ مشکل الآثار، ج ۱۰، ص ۴۰۶.

۱۴. المغازی، ج ۲، ص ۸۰۲.

۱۵. سنن الترمذی، ج ۱، ص ۲۱۷؛ رجال، ص ۸۷؛ النقات، ج ۶، ص ۲۱۴.

۱۶. الطبقات الكبير، ج ۲، ص ۲۴۳.

عمر بن خطاب (خلیفه دوم)، ابو عبیده،^{۱۷} عثمان (خلیفه سوم)،^{۱۸} خالد بن ولید،^{۱۹} عکرمه،^{۲۰} عده‌ای از مهاجران،^{۲۱} نافع بن جبیر بن مطعم،^{۲۲} مسعود بن حکم، مادر مسعود بن حکم، یوسف بن مسعود بن حکم،^{۲۳} فاطمه بنت خشاف السلمیة، عبدالرحمن ظفیری،^{۲۴} برخی افراد از قبیله بنی عبدالأشهل،^{۲۵} حنیف (خصیص)، علی بن عبدالرحمن، حذیفه بن یمان،^{۲۶} عبدالله بن عمرو، زهری،^{۲۷} خارجه بن زید بن ثابت، یزید بن ثابت،^{۲۸} مادر خود، عموی مادر خود، طفیل بن حارث،^{۲۹} عثمان بن ابی العاص ثقفی،^{۳۰} نعمان بن مره زرقی،^{۳۱} معاویه، یزید بن معاویه، عبدالله بن زبیر، عمرو بن سعید بن عاص،^{۳۲} علی بن عبدالرحمن مولی ربیعة بن حارث،^{۳۳} اسماء بنت یزید بن سکن،^{۳۴} و نعمان بن سالم^{۳۵} (یا سالم بن نعمان).

ناقلان حدیث از حکیم بن حکم

از جمله ناقلان حدیث از حکیم بن حکم عبارتند

۱۷. التاریخ الكبير، ج ۳، ص ۱۷؛ تذکرة الحفاظ، ج ۶، ص ۵۱۱؛ الکاشف، ج ۱، ص ۳۴۷؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۶۳۱.

۱۸. تاریخ دمشق، ج ۳۹، ص ۲۲۸.

۱۹. الروض الأنف، ج ۷، ص ۲۶۳.

۲۰. تفسیر ابن کثیر، ج ۶، ص ۴۷۹؛ اسباب نزول القرآن، ص ۲۹۶.

۲۱. الجامع فی الحدیث، ج ۱، ص ۲۶۷؛ مسند احمد، ج ۷، ص ۱۶۳؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۲، ص ۸۷.

۲۲. المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۳۰۹.

۲۳. الآحاد و المثانی، ج ۹، ص ۳۹۲؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۶۰۰.

۲۴. المحلی، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲۵. الروض الأنف، ج ۶، ص ۲۸؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۹۵.

۲۶. المطالب العالیة، ج ۲، ص ۳۴۰.

۲۷. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۲؛ الإكمال، ج ۲، ص ۵۵۹.

۲۸. صحیح ابن حبان، ج ۱۳، ص ۱۷۸؛ الکاشف، ج ۲، ص ۶.

۲۹. معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۱۵۶۶.

۳۰. مسند السراج، ج ۱، ص ۴۶؛ المعجم الكبير، ج ۹، ص ۵۰.

۳۱. المصنف، ج ۵، ص ۵۲۱.

۳۲. الطبقات الكبير، ج ۱، ص ۶۴.

۳۳. تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۱۹۳.

۳۴. شکر الله علی نعمه، ج ۱، صص ۱۰ و ۱۱۱.

۳۵. الآحاد و المثانی، ج ۴، ص ۳۸۳.

از: اهل مدینه،^{۳۶} عبدالرحمن بن حارث بن عیاش مخزومی،^{۳۷} محمد بن اسحاق بن یسار بن خیار،^{۳۸} حماد بن عثمان،^{۳۹} عبدالعزیز بن عبیدالله، برادر حکیم عثمان بن حکم،^{۴۰} هبة الله بن محمد، احمد بن جعفر، عبدالله بن احمد، پدر عبدالله بن احمد، عبدالرزاق، سفیان،^{۴۱} نسائی،^{۴۲} اسماعیل بن ابراهیم اسدی،^{۴۳} محمد بن عمر، عبدالرحمن بن عبدالعزیز،^{۴۴} سهیل بن ابی صالح،^{۴۵} طبری، ابن حمید، سلمه،^{۴۶} ترمذی، اسماعیل بن عبدالرحمن بن احمد واعظ، محمد بن محمد فقیه، محمد بن حسین قطان، اسحاق بن عبدالله بن زریق، حفص بن عبدالرحمن،^{۴۷} بلال اشعری، زیاد بکائی،^{۴۸} احمد بن عبدالله صالحی، ابوبکر احمد بن حسن حیری، حاجب بن احمد طوسی، عبدالله بن هاشم، وکیع،^{۴۹} محمد بن علی مروزی، جعفر بن عبدالواحد، یعقوب بن محمد زهری، ابراهیم بن سعد،^{۵۰} یحیی بن ایوب علاف مصری، سعید بن ابی مریم، محمد بن جعفر،^{۵۱} عباد بن عوام،^{۵۲} ابن عیینه، مسلم بن ابی مریم، ابن بهلول، عبده،^{۵۳} زهری،^{۵۴} سلیمان بن

بلال، قدامة بن موسی،^{۵۵} احمد بن ابراهیم قوهستانی، یونس بن بکیر،^{۵۶} و ابن نمیر.^{۵۷}

جایگاه حدیثی حکیم بن حکم

در منابع حدیثی و رجالی، نظرات متفاوتی درباره حکیم بن حکم وجود دارد که از این قرارند:

۱) معرفی او به عنوان راوی موثق

برخی معتقدند: حکیم بن حکم، فردی راستگو و صدوق از طبقه پنجم محدثان می باشد.^{۵۸} افرادی مانند ابن حبان بر این نظرند که حکیم بن حکم، در حدیث قوی است و از او پشتیبانی می کنند.^{۵۹} عده ای می گویند: حکیم بن حکیم ثقة و موثق و قابل اطمینان می باشد.^{۶۰}

در بعضی متون آمده است: برخی از دانشمندان اهل سنت، حکیم بن حکیم را موثق و قابل اطمینان می دانند.^{۶۱}

برخی معتقدند: احادیث حکیم بن حکیم صحیح است و جرحی [نقطه ضعف حدیثی و ذمی] بر او وارد نشده است.^{۶۲}

ترمذی احادیث حکیم بن حکیم را حسن می داند.^{۶۳} جمعی دیگر نیز احادیث او را در ردیف احادیث حسن قرار می دهند.^{۶۴}

عده ای مانند «مره» بر این عقیده اند که حکیم بن

۳۶. جمهرة انساب العرب، ص ۳۳۶؛ تاریخ دمشق، ج ۶۱، ص ۴۰۲.
 ۳۷. السنن الكبرى، بیهقی، ج ۱۰، ص ۲۵.
 ۳۸. رجال، ص ۸۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۱۸۵؛ نقد الرجال، ص ۱۱۵؛ التخويف من النار، ص ۱۴۳.
 ۳۹. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰۸؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۶۳۱.
 ۴۰. رجال، ص ۸۷؛ نقد الرجال، ص ۱۱۵؛ اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۲۱۵.
 ۴۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۵۴؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۸۲؛ صحیح ابن خزيمة، ج ۲، ص ۸۷.
 ۴۲. السنن الكبرى، نسائی، ج ۶، ص ۱۱۴.
 ۴۳. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۸۱.
 ۴۴. تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۶۴۱؛ الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۴۸.
 ۴۵. تاریخ دمشق، ج ۶۱، ص ۴۰۲؛ الجرح و التعديل، ج ۸، ص ۴۵۱.
 ۴۶. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۶۶.
 ۴۷. البعث و النشور، ص ۳۰۲.
 ۴۸. دول الاسلام، ج ۱۴، ص ۲۲؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۲.
 ۴۹. مسند احمد، ج ۶، ص ۴۵۳.
 ۵۰. معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۱۵۶۶.
 ۵۱. الدعاء، ص ۳۴۴؛ المعجم الكبير، ج ۹، ص ۵۰.
 ۵۲. المطالب العالیة، ج ۲، ص ۳۴۰.
 ۵۳. التاریخ الكبير، ج ۶، ص ۲۸۵.
 ۵۴. الإكمال، ج ۲، ص ۵۵۹.

۵۵. الجامع فی الحدیث، ج ۱، ص ۲۶۷.
 ۵۶. شکر الله علی نعمه، ج ۱، ص ۱۰.
 ۵۷. المطالب العالیة، ج ۲، ص ۳۴۰.
 ۵۸. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۶۳۱؛ شرف المصطفى، ج ۳، ص ۲۴۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۶.
 ۵۹. النقات، ج ۶، ص ۲۱۴؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۶۳۱.
 ۶۰. رسائل، ج ۱، ص ۱۳۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۴۹.
 ۶۱. رجال، ص ۸۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۱۸۵.
 ۶۲. تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۴۸؛ رسائل، ج ۱، ص ۱۳۱؛ الجرح و التعديل، ج ۱، ص ۲۲۲.
 ۶۳. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۴۹۲.
 ۶۴. المغنی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ شرف المصطفى، ج ۳، ص ۲۴۲؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۶؛ تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۱۹۳.





حکیم در حدیث، حسن الحدیث می‌باشد.^{۶۵} برخی از حکیم بن حکیم تعریف کرده‌اند، به عنوان مثال، ابوداود می‌گوید: شنیدم از احمد، پرسیده شد: حکیم بن حکیم چگونه فردی است؟ احمد پاسخ داد: جز خوبی، از حکیم بن حکیم ندیدم و نشنیده‌ام.^{۶۶} عده‌ای مانند ابن عدی، درباره حکیم بن حکیم می‌گویند: حدیثی منکر، از حکیم بن حکیم ندیدم که آن را بازگو کنم و بگویم.^{۶۷}

۲) معرفی او به عنوان راوی غیر موثق

بعضی بر عدم استناد به احادیث حکیم بن حکیم معتقدند، از جمله ابن سعد می‌نویسد: حکیم بن حکیم کم حدیث بوده و محدثان به حدیث او استناد نمی‌کنند.^{۶۸}

افرادی بر این نظرند که حکیم بن حکم، محدثی مجهول الحال^{۶۹} یا مهمل^{۷۰} می‌باشد.^{۷۱} عده‌ای مانند ابن قیم درباره حکیم بن حکیم می‌گویند: حکیم بن حکیم، به آن اندازه نادان است که نادانی او، حدیث را تبدیل به حدیث معلل^{۷۲} می‌کند و فقط ابن قطان درباره حکیم بن حکیم می‌گوید: حال او ناشناخته و مجهول است.^{۷۳}

برخی دیگر نیز با ابن قیم هم عقیده بوده و بر جهالت و نادانی وصف ناپذیر حکیم بن حکیم تاکید دارند و احادیث او را قابل نقل کردن نمی‌دانند. به عنوان نمونه، ابوزرعه درباره حکیم بن حکیم چنین می‌گوید:

۶۵. مسند احمد، ج ۶، ص ۴۵۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، صص ۱۹۶ و ۲۱۰.

۶۶. مسند احمد، ج ۱، ص ۷.

۶۷. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۲.

۶۸. الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۴۰۸؛ الکاشف، ج ۱، ص ۲۴۸.

۶۹. فردی که در کتب رجال، نسبت به عقیده و مذهب و جرح و تعدیل او، اشاره‌ای نشده باشد.

۷۰. فردی که نامش در کتب رجالی ذکر نشده باشد.

۷۱. رجال، ص ۸۷؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۸۴؛ لسان المیزان، ج ۷، ص ۲۰۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۴۸.

۷۲. حدیثی که در سند یا متن آن، ضعف و اشکالی وجود داشته باشد.

۷۳. تحفة الاشراف، ج ۸، ص ۴؛ ابن قیم الجوزیه و جهوده، ج ۳، ص ۲۵۰.

هیچ سخنی و حدیثی از حکیم بن حکیم، قابل شنیدن [و اعتماد] نیست.^{۷۴} در منبعی دیگر از عبدالرحمن بن ابی حاتم نقل شده که می‌گوید: ابوزرعه از ابن اسحاق پرسید: آیا حدیثی یا سخنی از حکیم بن حکیم شنیده‌ای یا شنیده شده؟ ابن اسحاق در پاسخ گفت: سخنی و حدیثی از حکیم بن حکیم، قابل شنیدن [و اعتماد] نیست [و هیچ سخنی و حدیثی] موثق [نشندیم و شنیده نشده است].^{۷۵}

افرادی مانند عبدالله بن احمد معتقدند: حکیم بن حکیم کذاب و دروغگو است.^{۷۶}

عده‌ای مانند ابن خراش، حکیم بن حکیم را به وضع و جعل حدیث متهم می‌کنند.^{۷۷}

هیچ کدام از دانشمندان فریقین که او را به کذب، وضاع بودن، مجهول و منکر بودن و ... متهم کرده‌اند، دلیل خاص و قابل توجهی بیان نکرده‌اند. بنابراین تنها در جایی مدح حکیم بن حکم و در جایی دیگر ذم او بیان شده است.

روایات حکیم بن حکم

در کتب تاریخی، حدیثی، فقهی، تفسیری و غیر تفسیری، از حکیم بن حکم به عنوان یکی از راویان برخی اتفاقات و حوادث و احکام مهم اسلامی یاد کرده‌اند:

۱) روایات فقهی

از حکیم بن حکم، روایات فقهی نقل شده است که عناوین آن عبارتند از:

۱- احکام نماز و اوقات نماز و سیره و سنت نماز خواندن پیامبر اکرم (ص) و اهمیت به نماز توسط پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت پیامبر (ع)، شأن نزول آیه ۱۰۳ سوره نساء درباره فلسفه اوقات نماز و

۷۴. تحفة الاشراف، ج ۸، ص ۴.

۷۵. رجال، ص ۸۷؛ تاریخ اسماء النقات، ص ۱۲۹؛ میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۵۸۴.

۷۶. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۲؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۸۰.

۷۷. النجوم الزاهرة، ج ۳، ص ۱۷۱؛ شرف المصطفی، ج ۳، ص ۲۴۲.

چگونگی خواندن نماز و جزئیات نماز، و توصیه پیامبر اکرم(ص)، به امامان جماعت بر عدم طولانی کردن نماز جماعت.^{۷۸}

۲- از بین بردن نماد و تصاویر و نقاشیهای شرک آلود و بت از روی کعبه و اطراف کعبه به دستور پیامبر اکرم(ص).^{۷۹}

۳- وجوب زکات و سیره و سنت پیامبر اکرم(ص) در دریافت زکات.^{۸۰}

۴- حج، آداب و احکام و مناسک آن در سیره و سنت پیامبر اکرم(ص).^{۸۱}

۵- سیره و سنت پیامبر اکرم(ص) در حکومت‌داری و اجرای احکام اسلامی و حکومتی و اهمیت علم و تفقه در دین از منظر پیامبر اکرم(ص)، به نقل از صحابه.^{۸۲}

۶- سیره و سنت پیامبر اکرم(ص) در روزه و روزه‌داری.^{۸۳}

۷- سیره و سنت و نوع برخورد امام علی(ع) با دزدان و سارقان و روش اجرای احکام اسلامی و مجازات توسط آن حضرت.^{۸۴}

۸- حکم وراثت دایی توسط خلیفه دوم به نقل از پیامبر اکرم(ص).^{۸۵}

۹- احکام شرعی زنان.^{۸۶}

۱۰- ایام حج و منی و ایام عبادت.^{۸۷}

۲) روایات تاریخی

حکیم بن حکم به نقل روایات تاریخی و حکومت‌داری می‌پردازد که از جمله آنها از این قرارند:

۷۸. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۵۴؛ المصنف، ج ۱، ص ۲۰۸.

۷۹. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۰۶.

۸۰. الاصابه، ج ۴، ص ۲۵۷.

۸۱. سنن ابن ماجه، ج ۹، ص ۸۴؛ البدرد المنیر، ج ۳، ص ۱۵۰؛ المحلی، ج ۳، ص ۳۷۱.

۸۲. مسند السراج، ج ۱، ص ۴۶؛ الدعاء، ص ۳۴۴.

۸۳. المغازی، ج ۲، ص ۸۰۲.

۸۴. المصنف، ج ۵، ص ۵۲۱؛ إرواء الغلیل، ج ۸، ص ۸۹.

۸۵. مسند احمد، ج ۱، ص ۴۶؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۶، ص ۳۵۱.

۸۶. المعجم الکبیر، ج ۲۵، ص ۱۲۷.

۸۷. الإصابه، ج ۸، ص ۳۰۳؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۸، ص ۳۵.

۱- پیامبر اکرم(ص) و غزوات و نوع برخورد پیامبر با مردم مناطق فتح شده و نوع استقبال یا عدم استقبال مردم از آن حضرت و سروده‌هایی در مدح آن حضرت.^{۸۸}

۲- امان دادن پیامبر اکرم(ص) به مردم مکه، پس از فتح مکه و حلال کردن خون کسانی که باطن آنها همچنان سیاه بود مانند: «الحویرث» (که پیامبر اکرم(ص) را در مکه بسیار اذیت و آزار کرد) و «امراًة مغنیة» (زنی خواننده و آواز خوان که پیامبر اکرم(ص) را بسیار هجو می‌کرد و به آن حضرت دشنام می‌داد) که هر دوی آنها به دست امام علی(ع)، کشته شدند.^{۸۹}

۳- پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) و سرپرستی جامعه اسلامی بر عهده امام علی(ع) و نوشتن نامه پیامبر اکرم(ص) به امام علی(ع) و تعیین ایشان به عنوان نماینده و فرمانده تشکیلات نظامی برخی غزوات در عصر پیامبر اکرم(ص) و شاهد گرفتن آن جنگها توسط امام علی(ع)، در جنگ صفین در مقابل معاویه.^{۹۰}

۴- پیامبر اکرم(ص) و تعداد همسران ایشان و نامهایشان.^{۹۱}

۵- خالد بن ولید و امام علی(ع) و قبیله بنی جذیمه.^{۹۲}

۶- سخنرانی خلیفه اول پس از وفات پیامبر اکرم(ص).^{۹۳}

۷- روش خلیفه دوم در حکومت‌داری.^{۹۴}

۸- روش خلیفه سوم در حکومت‌داری و اجرای احکام و عباداتش و نحوه قتل او.^{۹۵}

۹- توصیه و سفارش پدران معاویه به یزید درباره

۸۸. المغازی، ج ۲، ص ۸۰۲؛ سیره ابن اسحاق، ج ۴، ص ۱۲۱.

۸۹. تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۶۶؛ الطبقات الکبیر، ج ۲، ص ۱۵۵.

۹۰. الإكمال، ج ۳، ص ۱۵۸.

۹۱. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۶؛ تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۱۹۳؛

البداية و النهاية، ج ۵، ص ۳۰۰.

۹۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۱۵۱؛ سیره ابن اسحاق، ج ۴، ص ۷۱.

۹۳. الطبقات الکبیر، ج ۲، ص ۲۴۳.

۹۴. السنن الکبری، بیهقی، ج ۶، ص ۳۵۱.

۹۵. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۲۲.





امام حسین(ع).^{۹۶}

۳) روایات اخلاقی و اعتقادی

از جمله احادیث اخلاقی و اعتقادی حکیم بن حکم از این قرارند:

۱- گریه و ناله زنان بر حضرت حمزه(ع) و نهی پیامبر

اکرم(ص) از گریه و ناله بر اموات و مذمت زنان عزادار توسط پیامبر اکرم(ص) (طبق نظر اهل سنت).^{۹۷}

۲- علم و دستیابی به آن.^{۹۸}

۳- پاکی و تمیزی در خانه خدا و ملاقات خدا.^{۹۹}

۴- کفران نعمت و حق همسری.^{۱۰۰}

۵- گناه استمناء.^{۱۰۱}

۶- دوستی و آداب آن و عدم غیبت پشت سر آن.^{۱۰۲}

۴) روایات تفسیری

از حکیم بن حکم، دو حدیث تفسیری نقل شده است که عبارتند از:

۱- سوره براءت و امام علی(ع) و شایستگی خلافت

پیامبر اکرم(ص).^{۱۰۳}

۲- شجره ملعونه.^{۱۰۴}

از بررسی روایات حکیم بن حکم پی می‌بریم که روایات منقول از او، از نظر متن و سند مشکلی ندارند و قابل اعتماد هستند.

نتیجه‌گیری

۱. آنچه بیش از همه، درباره حکیم بن حکم حائز اهمیت است، از یک سو، تنوع روایات نقل شده از طریق او و از سوی دیگر، طعنهایی است که بر او وارد

شده است.

۲. از حکیم بن حکم روایات متنوع فقهی، تاریخی، اخلاقی، اعتقادی، تفسیری و غیرتفسیری نقل شده است که جرحی از نظر سند و متن درباره آنها وجود ندارد.

۳. هیچ کدام از اندیشمندان و صاحب نظران فریقین (به خصوص علما و محدثان اهل سنت) که حکیم بن حکم را به کذب، وضاع بودن، مجهول و منکر بودن و ... متهم کرده‌اند، دلیل خاص و محکمه پسند و قابل قبولی نیاورده‌اند.

۴. برخی دانشمندان مانند مزی، در جایی حکیم بن حکم را موثق معرفی می‌کنند و در جای دیگر، بدون ذکر دلیل، او را جاهل و نادان می‌دانند. چنین نظرات متضادی قابل قبول نیست و احتمال وجود تعصب دینی از طرف برخی مانند مزی وجود دارد.

۵. نقل حدیث حکیم بن حکم از افراد موثق و مطمئن، و وجود تعداد بسیاری از راویان که از او به نقل حدیث می‌پردازند، دلیلی بر وثاقت وی می‌باشد. توثیق ایشان توسط عده‌ای از علمای بزرگ فریقین مانند شیخ طوسی و ابن حجر عسقلانی، نیز بر وثاقت ایشان دلالت دارد.

۹۶. الطبقات الکبیر، ج ۱، ص ۶۴.

۹۷. البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۳۱۲؛ الروض الأنف، ج ۶، ص ۲۸.

۹۸. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۴۲؛ الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۶، ص ۲۲۹۷.

۹۹. الجرح و التعديل، ج ۳، ص ۲۰۲؛ الطبقات الکبیر، ج ۶، ص ۱۱.

۱۰۰. شکر الله علی نعمه، ج ۱، ص ۱۱۱.

۱۰۱. التاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۱۷.

۱۰۲. الجامع فی الحدیث، ج ۱، ص ۲۶۷.

۱۰۳. تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۰۷؛ الروض الأنف، ج ۷، ص ۴۲۴.

۱۰۴. سیرة ابن اسحاق، ج ۴، ص ۲۱۰؛ اسباب نزول القرآن، ص ۲۹۶؛

البعث و النشور، ص ۳۰۲.

- قرآن كريم.
- ابن ابي حاتم، عبدالرحمن بن محمد، الجرح و التعديل، بيروت، دارالفكر، بي تا.
- ابن ابي شيبه، عبدالله بن محمد، المصنف، رياض، مكتبة الرشد، ١٤٠٩ق.
- ابن ابي عاصم، احمد بن عمرو، الآحاد و المثاني، رياض، دارالراية، ١٤١١ق.
- ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، سيرة ابن اسحاق، قم، دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامي، ١٤١٠ق.
- ابن تغري بردي، يوسف بن تغري بردي، النجوم الزاهرة في ملوك مصر و القاهرة، قاهره، وزارة الثقافة و الإرشاد القومي، ١٩٦٣م.
- ابن حبان، محمد بن حبان، الثقات، بيروت، دارالفكر، ١٣٩٣ق.
- همو، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ق.
- ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.
- همو، المطالب العالية بزوائد المسانيد الثمانية، بيروت، التراث الاسلامي، ١٣٩٣ق.
- همو، تقريب التهذيب، مدينه، المكتبة العلمية، ١٣٨٠ق.
- همو، تهذيب التهذيب، بيروت، دارصادر، بي تا.
- همو، لسان الميزان، بي جا، مكتب المطبوعات الاسلامية، ١٤٢٣ق.
- ابن حزم، علي بن احمد، المحلى بالآثار، بيروت، دارالفكر، بي تا.
- همو، جمهرة انساب العرب، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٣ق.
- همو، رسائل، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٣٩٥ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، بيروت، دارالكتب العلمية، ٢٠١٠م.
- ابن خزيمة، محمد بن اسحاق، صحيح ابن خزيمة، بيروت، المكتب الاسلامي، ١٤٠٠ق.
- ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبير، قاهره، مكتبة الخانجي، ١٤٢١ق.
- ابن شاهين، عمر بن احمد، تاريخ اسماء الثقات، قاهره، بي نا، ٢٠٠٩م.
- ابن عساکر، علي بن حسن، تاريخ دمشق، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٦ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغني، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٥ق.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، بي جا، دارهجر، ١٤١٨ق.
- همو، تفسير ابن كثير، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٩ق.
- ابن ماجه قزويني، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٩ق.
- ابن ماكولا، علي بن هبة الله، الإكمال في رفع الارتباب عن المؤلف و المختلف في الأسماء و الكنى و الأنساب، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١١ق.
- ابن ملقن، عمر بن علي، البدر المنير في تخريج الأحاديث و الآثار الواقعة في الشرح الكبير، رياض، دارالهجرة، ١٤٢٥ق.
- ابن وهب، عبدالله بن وهب، الجامع في الحديث، رياض، دارابن الجوزي، ١٤١٦ق.
- ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، معرفة الصحابة، رياض، دارالوطن، ١٤١٩ق.
- ازرقى، محمد بن عبدالله، اخبار مكة و ما جاء فيها من الآثار، بيروت، دارالأندلس، ١٤١٦ق.
- امين، سيد محسن، اعيان الشيعة، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٣ق.
- الباني، محمد ناصر الدين، إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل، بيروت، المكتب الاسلامي، ١٤٠٥ق.
- بخاري، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، بيروت،





- دارالكتب العلمية، ١٩٨٧م.
- بغدادى، احمد بن على، تاريخ بغداد، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٧ق.
- بيهقى، احمد بن حسين، البعث و النشور، بيروت، مركز الخدمات و الأبحاث الثقافية، ١٤٠٦ق.
- همو، السنن الكبرى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٤ق.
- ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، بيروت، دارالغرب الاسلامى، ١٩٩٨م.
- جابلقى بروجردى، سيد على اصغر، طرائف المقال، قم، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، ١٤١٠ق.
- جرجانى، ابواحمد بن عدى، الكامل فى ضعفاء الرجال، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- جمال بن محمد السيد، ابن قيم الجوزية و جهوده فى خدمة السنة النبوية و علومها، مدينه، عمادة البحث العلمى بالجامعة الإسلامية، ١٤٢٤ق.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢ق.
- حرعالمى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت(ع) لاحياء التراث، ١٤٠٩ق.
- حسيني تفرشى، سيد مصطفى بن حسين، نقد الرجال، قم، مؤسسه آل البيت(ع) لاحياء التراث، ١٤١٨ق.
- خرائطى، محمد بن جعفر، شكر الله على نعمه، بى جا، بى نا، ١٤٠٢ق.
- خرگوشى، عبدالملك بن محمد، شرف المصطفى، تهران، ماهى، ١٣٨٧ش.
- خويى، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، بيروت، بى نا، ١٩٨٣م.
- ذهبى، محمد بن احمد، الكاشف فى معرفة من له رواية فى الكتب الستة، جده، دارالقبلة للثقافة الإسلامية؛ مؤسسة علوم القرآن، ١٤١٣ق.
- همو، تذكرة الحفاظ، هند، وزارة معارف الحكومة الهندية، بى تا.
- همو، دول الاسلام، بيروت، دارصادر، ١٩٩٩م.
- همو، ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، بيروت، دارالمعرفة، ٢٠٠٩م.
- سراج، محمد بن اسحاق، مسند السراج، فيصل آباد، إدارة العلوم الأثرية، ١٤٢٣ق.
- سلامى، عبدالرحمن بن احمد، التخويف من النار و التعرف بحال دارالبوار، طائف، مكتبة المؤيد؛ دمشق، دارالبيان، ١٤٠٩ق.
- سهيلى، عبدالرحمن بن عبدالله، الروض الأنف فى شرح السيرة النبوية لابن هشام، بيروت، داراحياء التراث العربى، ١٤٢١ق.
- شوشترى، محمدتقى، قاموس الرجال، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٣١ق.
- طبرانى، سليمان بن احمد، الدعاء، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٣ق.
- همو، المعجم الكبير، قاهره، مكتبة ابن تيمية، بى تا.
- طحاوى، احمد بن محمد، مشكل الآثار، حيدرآباد، بى نا، ١٩١٦م.
- طوسى، محمد بن حسن، رجال، قم، مؤسسه تحقيقات و نشر معارف اهل البيت، ١٣٤٢ش.
- متقى هندى، على بن حسام الدين، كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠١ق.
- مزى، يوسف بن عبدالرحمن، تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف، بيروت، المكتب الاسلامى؛ الدار القيمة، ١٤٠٣ق.
- همو، تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٠ق.
- نسائى، احمد بن شعيب، السنن الكبرى، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق.
- واحدى، على بن احمد، اسباب نزول القرآن، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١١ق.
- واقدى، محمد بن عمر، المغازى، بيروت، عالم الكتب، بى تا.